شماره داستان:	ام پرکننده فرم:
	ام کودک:
	سن کودک:
	ا ربات یا بدون ربات:
	وقتی که داشتیم با «مریم» داستان میساختیم:
یگهای رو نمیدیدم.	۱. انگار همه ذهنم در داستان بود و هیچ چیز د
\bigcirc \bigcirc \bigcirc	\bigcirc
صور کنم.	۲. میتونستم خودم رو در صحنههای داستان تا
\bigcirc	\bigcirc
ئىتر فكر مىكردم تا داستان.	۳. به چیزهایی که در اطرافم اتفاق میافتاد، بیش
\bigcirc	\bigcirc
يشه.	³ . خیلی کنجکاو بودم که داستان چطور تموم م
	\bigcirc

	کردم.	گەاى فكر مى	به چیزهای دی	پرت میشد و	ذهنم از داستان	.0
				ىتان:	تموم شدن داس	بعد از
	۰ای تموم بشه.	، به شکل دیگه	تان می تونست	م که شاید داس	به این فکر کرد	٦.
				ِاموش کردم.	راحت اون رو فر	.٧
			:	یی با «مریم»:	ه با داستان گو	در رابط
رو انجام بدم.	داستان گویی	_ا و با اون بازی	مریم» رو ببینه	، دارم دوباره «	من خیلی دوست	۸.
ى رو با هم انجام بديم.	ک کار دیگهای	تونیم دوباره ی	من و «م <i>ر</i> يم» ب	وب میشه اگر	به نظرم خیلی خ	.٩
			\bigodot_\square	\bigodot_{\square}		

فکر کن تو این آدمکی، احساست رو نسبت به بازی داستانگویی با «مریم» بگو. برای سه تا بخش زیر، با توجه به شکلها یکی از دایرهها رو انتخاب کن.

۱. میزان رضایتمندی

